

بررسی چگونگی شکل‌گیری و انحلال سازمان اصلاحات لارستان

(۱۳۳۰-۱۳۳۲)

رسول احمدلو^۱

چکیده

از عوامل مهم و تأثیرگذار بر بسیاری از وقایع و تحولات سیاسی-اجتماعی ایران معاصر، فعالیت احزاب و سازمان‌ها است. از این رو شناسایی احزاب و فرایندهای سیاسی آنها برای اهل تأمل و تعمق در اوضاع سیاسی ایران امری ضروری می‌نماید. سازمان اصلاحات لارستان در جریان ملی‌شدن صنعت نفت، با تلاش و همکاری شخصیت‌های برجسته ملی‌مذهبی در سال ۱۳۳۰ تأسیس شد. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای درصدد پاسخ به این سؤال می‌باشد که چه عواملی باعث شکل‌گیری و انحلال سازمان اصلاحات لارستان شد؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سازمان اصلاحات لارستان به‌منظور حمایت از نهضت ملی‌شدن صنعت نفت و دولت دکتر مصدق و انجام اصلاحات اجتماعی محلی تشکیل و با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ منحل شد. اهمیت پژوهش حاضر از این‌روست که می‌تواند اطلاعات درخور توجهی در خصوص شکل‌گیری و فعالیت سازمان‌های سیاسی تاریخ منطقه‌ای ایران در عصر پهلوی دوم ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: ملی‌شدن صنعت نفت، دولت دکتر مصدق، سازمان اصلاحات لارستان، آیت‌الله کاشانی، آیت‌الله سید علی‌اصغر موسوی لاری.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. r.ahmadlu@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷ نوع مقاله: پژوهشی

Investigation into the Formation and Dissolution of the Laristan Reform Organization (1951-1953)

Rasul Ahmadlu¹

Abstract

One of the significant and influential factors affecting many political and social events and developments in contemporary Iran is the activities of parties and organizations. Therefore, identifying these parties and their political processes is essential for those who contemplate and delve into Iran's political conditions. The Laristan Reform Organization was established in 1951 during the nationalization of the oil industry, through the efforts and collaboration of prominent national-religious figures. This research, adopting a descriptive-analytical approach and utilizing library documents and sources, seeks to answer the question: What factors led to the formation and dissolution of the Laristan Reform Organization? The findings indicate that the Laristan Reform Organization was formed to support the nationalization of the oil industry, Dr. Mosaddegh's administration, and to implement local social reforms, and it was dissolved following the coup d'état of August 19, 1953. The significance of this research lies in its ability to provide valuable information regarding the formation and activities of political organizations in the regional history of Iran during the second Pahlavi era.

Keywords: Nationalization of the Oil Industry, Dr. Mosaddegh's Government, Laristan Reform Organization, Ayatollah Kashani, Ayatollah Seyed Ali Asghar Mousavi Lari.

1. PhD Student in Islamic Iranian History, Kharazmi University, Tehran, Iran.

۱. مقدمه

در دهه ۱۳۳۰، ایران در شرایطی پیچیده و بحرانی قرار داشت که تحولات سیاسی و اجتماعی آن دوران، به‌ویژه جنبش ملی‌شدن صنعت نفت و اصلاحات دولت دکتر محمد مصدق، بر تمامی ابعاد کشور تأثیرگذار بود. در این دوره، نهادها و سازمان‌هایی در سطح محلی و منطقه‌ای برای حمایت از دولت دکتر مصدق تشکیل شد. یکی از این نهادها سازمان اصلاحات لارستان بود که در سال ۱۳۳۰ با همکاری رهبران برجسته ملی‌مذهبی حضرات آیات کاشانی و موسوی لاری با هدف حمایت از جنبش ملی‌شدن نفت، حمایت از دولت دکتر مصدق و اجرای اصلاحات اجتماعی در منطقه لارستان تأسیس شد.^۱ با وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنگونی دولت مصدق، این سازمان نیز به سرنوشت بسیاری از نهادهای اصلاح‌طلب دیگر دچار شد و منحل گردید.

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که چه عواملی باعث شکل‌گیری سازمان اصلاحات لارستان شدند، چگونه این سازمان در راستای اهداف دولت مصدق و اصلاحات اجتماعی فعالیت می‌کرد و چه عاملی منجر به انحلال آن پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شد؟ این تحقیق تلاش دارد تا با تحلیل شرایط سیاسی جامعه ایران در آن زمان، روند شکل‌گیری، فعالیت و انحلال سازمان اصلاحات لارستان در دوره ملی‌شدن صنعت نفت را مورد بررسی قرار دهد. درباره پیشینه تحقیق باید گفت که تحقیقات مرتبط با تاریخ نهضت ملی‌شدن صنعت نفت در ایران و نقش اقشار مختلف اجتماعی از این نهضت، در سال‌های اخیر افزایش چشمگیری داشته است. بسیاری از پژوهشگران به بررسی تحولات سیاسی دوران مصدق، به‌ویژه موضوع ملی‌شدن نفت، پرداخته‌اند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به کتاب «ایران بین دو انقلاب» نوشته پروانده آبراهامیان، «ملی‌شدن صنعت نفت؛ سرآغاز کودتای ۲۸ مرداد» نوشته غلامرضا وطن‌دوست، مریم شیپری و آفرین توکلی و «جنبش ملی‌شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲» تألیف غلامرضا نجاتی اشاره کرد که به تحلیل جامع وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران در این دوران پرداخته است. همچنین، پژوهش‌های متعددی در زمینه تحلیل نقش روحانیون در حمایت از دولت مصدق، مانند آثار وحید کارگر جهرمی و محمود کاشانی، منتشر شده است.

با این حال، درباره سازمان‌های اصلاحی محلی مانند سازمان اصلاحات لارستان و فعالیت‌های آن در حمایت از دولت دکتر مصدق تحقیقات کمتری انجام شده است. برخی پژوهش‌ها همچون انقلاب اسلامی در لارستان تألیف نگارنده به‌طور پراکنده به این موضوع پرداخته‌اند، اما تحقیق جامع و مستقل درخصوص سازمان اصلاحات لارستان و در مقایسه با دیگر مناطق کشور، نادر است. در این میان، اسناد منتشر نشده موجود در آرشیو مرکز اسناد ملی ایران و اسناد خانوادگی آیت‌الله آیت‌اللهی به‌عنوان منابع دست‌اول، اطلاعات جدید و ارزشمندی را درخصوص فعالیت‌های این سازمان فراهم می‌آورد. این پژوهش با استفاده از این اسناد، سعی دارد ابعاد ناشناخته و جزئیات دقیق‌تری از فرآیند شکل‌گیری و انحلال این سازمان ارائه دهد.

۲. سیر تحولات تاریخی ملی‌شدن صنعت نفت ایران (از امتیاز داری تا کودتای ۲۸ مرداد

(۱۳۳۲)

صنعت نفت ایران از زمان کشف نفت در سال ۱۹۰۸ میلادی در کنترل شرکت نفت انگلیس و ایران قرار داشت. این شرکت به‌طور عملی منابع نفتی ایران را استخراج و بهره‌برداری می‌کرد، درحالی‌که سهم ایران از درآمدهای نفتی به‌طور قابل‌توجهی اندک بود (شمیم، ۱۳۸۹: ۲۸۹). رضاشاه پهلوی همواره از سهم ناچیز ایران از منابع نفتی خود ناراضی بود. در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۱، وی چندین بار تیمورتاش را به‌منظور مذاکره با شرکت‌های نفتی خارجی و جست‌وجوی راه‌هایی برای افزایش سهم ایران از درآمدهای نفتی اعزام کرد. در سال ۱۳۱۰، پس از بحران اقتصادی ناشی از رکود بزرگ جهانی، سهم ایران از درآمد نفت به کمترین میزان خود رسید و به میزان ۳۳۶ هزار لیره برای یک سال تولید نفت تعیین شد. این مبلغ در سال بعد به ایران ابلاغ گردید. رضاشاه که از نتایج مذاکرات پیشین راضی نبود، با مشاهده این کاهش چشمگیر سهم ایران، با واکنشی خشمگین قرارداد را سوزاند و آن را یک‌جانبه لغو کرد. در پی این اقدام، در تاریخ هفتم خرداد ۱۳۱۲، قراردادی جدید تنظیم شد که طبق آن، سهم سالانه‌ای حداقل معادل ۷۵۰ هزار لیره برای ایران تضمین می‌شد (فاتح، ۱۳۳۳: ۲۹۲). با این حال، مدت‌زمان اعتبار امتیاز نفتی به ۳۲ سال افزایش یافت که این

اقدام موجب استمرار تسلط شرکت‌های خارجی بر منابع نفتی ایران گردید (فوران، ۱۳۷۷: ۳۶۶). به دلیل بهره‌برداری ناعادلانه از منابع نفتی و بی‌تأثیر بودن این درآمدها در زندگی مردم ایران، نارضایتی عمومی در کشور افزایش یافته بود. بسیاری از گروه‌های سیاسی، از جمله ملی‌گرایان و روشنفکران، بر لزوم ملی‌شدن صنعت نفت و بهره‌برداری کامل از منابع طبیعی ایران تأکید داشتند. پس از سقوط حکومت پهلوی اول در شهریور ۱۳۲۰، تحولات سیاسی ایران وارد مرحله‌ای نوین شد. این دوره که هم‌زمان با اشغال ایران توسط نیروهای متفقین در جریان جنگ جهانی دوم بود، شرایط جدیدی را برای بروز تغییرات اجتماعی و سیاسی در کشور فراهم آورد. یکی از مسائل اساسی و موردتوجه در این دوره، تلاش برای ملی‌کردن صنعت نفت ایران بود. در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، پس از ماه‌ها مذاکره و تلاش‌های مستمر دکتر محمد مصدق و اعضای مجلس شورای ملی، تصمیم به ملی‌کردن صنعت نفت اتخاذ گردید. این تصمیم به تصویب قانونی منتهی شد که بر اساس آن، تمامی تأسیسات و منابع نفتی ایران تحت کنترل دولت ایران قرار گرفت. دکتر مصدق با استناد به این قانون، قراردادهای پیشین را لغو کرد و شرکت نفت ایران و انگلستان را از کشور اخراج نمود (فاتح، ۱۳۳۳: ۴۰۸).

ملی‌شدن نفت ایران به شدت واکنش‌های منفی قدرت‌های خارجی، به‌ویژه بریتانیا را در پی داشت. دولت بریتانیا، که همواره از منابع نفتی ایران بهره‌برداری کرده بود، به شدت از ملی‌شدن نفت ایران ناراضی بود. این کشور بلافاصله صادرات نفت ایران به بریتانیا و سایر کشورها را قطع کرد. بریتانیا همچنین تلاش کرد تا دیگر کشورها را از خرید نفت ایران منصرف کند و صادرات نفت ایران را به حالت تعطیلی درآورد. دولت بریتانیا علیه ایران تحریم‌های اقتصادی و دیپلماتیک شدیدی وضع کرد. این تحریم‌ها تأثیرات جدی بر اقتصاد ایران گذاشت و مشکلات اقتصادی متعددی برای کشور به وجود آورد. با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از درآمدهای ایران از نفت تأمین می‌شد، این تحریم‌ها موجب بحران‌های اقتصادی شدید در کشور شد و دولت مصدق با مشکلات مالی زیادی مواجه گردید. با گذشت زمان، تحریم‌ها و بحران اقتصادی تأثیر منفی بر وضعیت داخلی کشور گذاشت. برخی از گروه‌ها و افرادی که از وضعیت اقتصادی ناراضی بودند، به انتقاد از دولت مصدق پرداخته و فشارهایی را برای تغییرات سیاسی وارد کردند. از طرفی، محمدرضا شاه نیز که با اقدامات مصدق

مخالف بود، کوشید تا استقلال خود را حفظ کند. در نهایت، با تشدید بحران اقتصادی، فشارهای داخلی و خارجی علیه دولت مصدق افزایش یافت و این امر به وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ منجر شد. این کودتا با دخالت مستقیم سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و بریتانیا اجرا شد و در نتیجه آن، دولت مصدق سرنگون گردید و صنعت نفت ایران دوباره تحت کنترل خارجی‌ها، به ویژه بریتانیا، قرار گرفت (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۳۴۵).

۳. فرآیند شکل‌گیری سازمان اصلاحات لارستان

در این بخش ابتدا به پیشینه احزاب سیاسی در لارستان پرداخته و سپس به عزیمت نماینده آیت‌الله کاشانی به لارستان برای تهیه مقدمات تشکیل سازمان اصلاحات و روند تأسیس آن می‌پردازیم. همچنین، در ادامه، اساسنامه و مرام‌نامه این سازمان بررسی خواهد شد.

۳.۱. پیشینه احزاب سیاسی در لارستان

شرایط سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰ در فارس، امکان گسترش فعالیت احزاب مختلف را به وجود آورد و بسیاری از گروه‌های سیاسی در این استان شروع به فعالیت کردند. مهم‌ترین احزاب سیاسی که در صدد تأسیس شعبه حزبی در منطقه لارستان برآمدند عبارت‌اند از:

الف) حزب عدالت

حزب عدالت از نسل قدیمی روشنفکرانی مانند علی دشتی، ابراهیم خواجه‌نوری و حسین دادگر که در نابسامانی‌ها و آشوب‌های اوایل دهه ۱۳۰۰ شرکت داشتند، تشکیل شد (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۲۲۳). مهم‌ترین شخص و در واقع تئوریسین این گروه، علی دشتی، روزنامه‌نگار بود. آنان در خصوص مسائل داخلی خواستار اداره ارتش توسط غیرنظامیان بودند و در زمینه سیاست خارجی، حضور آمریکا را به‌عنوان وزنه تعادل میان روسیه و انگلیس می‌دیدند. فعالیت حزب عدالت در لارستان در انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی آغاز و عبدالرحمان فرامرزی نامزد نمایندگی دوره چهاردهم مجلس شورای ملی از حوزه لارستان از سوی حزب معرفی شد. فرامرزی رقابت انتخاباتی را به جواد آزادی، نماینده چهار دوره قبل لارستان در مجلس شورای ملی، باخت. با شکست در انتخابات،

فعالیت حزب عدالت در لارستان به پایان رسید (کمام، اسناد انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی در لارستان، سال ۱۳۲۲).

ب) حزب توده

از پیامدهای اشغال ایران، می‌توان به پیدایش احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی اشاره کرد. بی‌شک مهم‌ترین این احزاب، حزب توده بود. این حزب توسط اعضای جوان‌تر گروه «پنجاه و سه نفر» مارکسیست که در سال ۱۳۱۶ توسط رضاشاه دستگیر شده بودند، سیزده روز پس از تبعید رضاشاه در هفتم مهرماه ۱۳۲۰ تشکیل شد و به فاصله یک یا دو سال، در شهرهای مختلف حوزه‌های حزبی تشکیل داد (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۳۴۶). لارستان با توجه به وسعتش یکی از کانون‌های مستعد عضوگیری بود. توللی و پرویزی، دو تن از شاعران مشهور و اعضای حزب توده فارس، به واسطه آشنایی با احمد اقتداری در مرداد ماه ۱۳۲۴ با سفر به لارستان درصدد دایر نمودن شعبه حزب توده در لارستان برآمدند. احمد اقتداری در این باره می‌نویسد:

«در تابستان ۱۳۲۴ در شیراز بودم و به مقتضای جوانی و شور و شوق اصلاح‌طلبی، شعرها و نوشته‌های مرحوم فریدون توللی، شاعر چیره‌دست شیرازی را در روزنامه سروش که با مدیریت مرحوم عقیقی اداره می‌شد، می‌خواندم. روزنامه سروش روزنامه‌ای نیمه‌چپ و محل اجتماع جوان‌های چپ‌گرا بود. حزب توده در شیراز سخت آبرومند و پرآوازه بود. مرحوم فریدون توللی و مرحوم رسول پرویزی، نویسندگان مشهور و مقبول جوانان شهر بودند و هر دو در روزنامه سروش حق آب‌وگل داشتند. روزی در دفتر روزنامه سروش آن دو را که هر دو جوان، کم‌سن‌وسال و آراسته و سخن‌سنج بودند، ملاقات کردم و چون دانستند که من معلمی در لارم، گفتند ما می‌خواهیم برای مطالعه به لار برویم، اگر با شما می‌رفتیم بسیار خوب بود. گفتم قدمتان بر چشم و دو سه روز بعد با آنها به لار رفتم و در خانه من فرود آمدند» (اقتداری، ۱۳۷۲: ۳۵).

توللی و پرویزی صبح روز بعد، اعلانی به دیوارهای شهر چسباندند که در شب چهاردهم مرداد، شب جشن مشروطیت، در تنها رستوران شهر که در باغ ملی شهر بود، جلسه سخنرانی برقرار است و از مردم به‌ویژه کشاورزان، کارگران و روشنفکران دعوت کردند که به آن جلسه بروند. در آن روز، توللی و پرویزی در جمع مردم سخنانی درخصوص آزادی و برابری ایراد کرده و از مردم خواستند

که در روزهای ۱۵ و ۱۶ مرداد برای نام‌نویسی و عضویت در حزب توده به خانه احمد اقتداری مراجعه کنند. با مخالفت جامعه روحانیت، حزب توده نتوانست حوزه حزبی در این منطقه ایجاد کند. اقتداری در این باره می‌نویسد:

«آن دو روز گذشت و جز معدودی جوان، کسی در دفتر حزب توده در نزد مرحومان توللی و پرویزی نام‌نویسی نکرد. فقیهی واعظ و خوش‌نام و مورد اعتماد مردم به نام آقا باقر غفوری برای من پیغام فرستاد که حزب جز حزب‌الله نیست و این حزب‌بازی‌ها در لار صورت خوشی ندارد. من شخصاً به خدمت مرد پاکدل رسیدم و به ایشان عرض کردم که من در این کار مداخله‌ای ندارم و اینها مهمان هستند و تازه کاری هم نکرده‌اند و جز ده، دوازده نفر کارت حزب نگرفته‌اند» (اقتداری، ۱۳۷۲: ۳۶).

۳,۲. عزیمت نماینده آیت‌الله کاشانی به لارستان برای تهیه مقدمات تشکیل سازمان اصلاحات

پس از ملی‌شدن صنعت نفت و در آستانه برگزاری دادگاه بین‌المللی لاهه به‌منظور رسیدگی به دعوی نفتی ایران و انگلیس، ضرورت ایجاد تشکیلاتی منسجم در قالب احزاب و گروه‌های سیاسی به‌منظور حمایت از دولت دکتر مصدق و ملی‌شدن صنعت نفت بیشتر احساس شد. امکان همفکری و همکاری برای چنین کاری هنگام عزیمت آیت‌الله سید علی‌اصغر موسوی لاری به تهران به‌منظور حل مشکلات زندانیان حادثه سیاسی انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی در لارستان، در ملاقات با آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی فراهم گشت.

در ملاقات‌های حضرات آیات موسوی لاری و کاشانی، مقرر گردید با توجه به سابقه اهالی منطقه لارستان در مبارزات ضداستعماری و ضداستبدادی، شیخ غلامرضا فیروزیان به‌منظور ایجاد همبستگی و همدلی بین هواداران آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق، با عزیمت به لارستان، مقدمات تأسیس حزب اصلاحات لارستان را فراهم نماید. ورود نماینده آیت‌الله کاشانی به لارستان که هم‌زمان با ماه محرم بود، فرصت مناسبی به‌وجود آورد تا او در جلسات مختلف مذهبی، از ظلم و استبداد مأمورین و دستگاه دولتی، اصلاح قانون اساسی و انتخابات مجلس شورای ملی صحبت کرده و اهالی را به مبارزه تشویق نماید. سخنرانی‌ها و فعالیت‌های سیاسی شیخ غلامرضا فیروزیان، موجبات نگرانی مقامات حکومتی را در پی داشت. کفیل شهربانی لار، در گزارشی به فرماندار لارستان درباره فعالیت ایشان

نوشت: «آقای شیخ غلامرضا فیروزیان در منزل تقی‌زادگان که روضه بوده، به منبر رفته و با اظهارات زنده‌ای مردم را علیه مأمورین دولتی تحریک و عملیات تیمسار سرتیپ دفتری در زمان تصدی شهربانی کل کشور نسبت به حضرت آیت‌الله کاشانی با لحن زنده‌ای موردانتقاد قرار داده است» (ساکما، ۲۹۳/۱۸۸۳۰، ۲۷).

فرمانده گردان مستقل پیاده لار نیز در گزارش به لشکر ۶ فارس، نگرانی خود درباره فعالیت‌های سیاسی شیخ فیروزیان را چنین گزارش داد: «این تحریکاتی که در لار می‌شود، تصور می‌رود وضع لار به مراتب بدتر و وخیم‌تر از سال ۲۸ گردد. هیچ‌وقت آقای آیت‌الله کاشانی راضی نیستند که شخص غیرمسئول به نام ایشان در امور دولتی دخالت کند. اگر شیخ مزبور به منظور تبلیغات مذهبی به لار آمده، پس این جاروجنجال و دسته‌بندی‌ها چیست و چه کار به امور سیاسی دارد؟» (ساکما، ۲۹۳/۱۸۸۳۰، ۲۹).

وزارت جنگ در راستای مقابله با اقدامات شیخ فیروزیان، در تلگراف محرمانه‌ای به استاندار فارس، هدف از مسافرت شیخ غلامرضا فیروزیان به لارستان و سخنرانی‌های شبانه‌روزی وی را اهانت به هیئت‌حاکمه و اولیای امور دانسته و از وی خواست چنانچه شیخ فیروزیان نماینده آیت‌الله کاشانی بوده، می‌بایست اعتبارنامه یا معرفی‌نامه خود را ارائه دهد تا اشخاص دیگر نتوانند به‌عنوان نمایندگی از مقاماتی که مورداحترام دولت هستند، خودسرانه اقداماتی بنمایند. وزارت جنگ همچنین از استاندار فارس خواست به‌فوریت بررسی نماید که آیا شیخ فیروزیان اصالتاً لارستانی هستند و در آنجا علاقه و خویشاوند دارند یا خیر. طبق دستور وزارت جنگ، شهربانی لارستان نیز موظف بود اگر فعالیت‌های شیخ غلامرضا فیروزیان را علیه مصالح و مقامات کشوری تشخیص داد، بدون ملاحظه جلوی او را بگیرد (ساکما، ۲۹۳/۱۸۸۳۰، ۳۱).

۳,۳. تأسیس سازمان اصلاحات لارستان

شیخ غلامرضا فیروزیان از هنگام ورود به لارستان، همه‌روزه مردم را ترغیب می‌کرد که با تشکیل سازمان اصلاحات، می‌توانند علیه دستگاه دولتی مبارزه کنند. در شب‌های ۲۳، ۲۴ و ۲۵ مهرماه ۱۳۳۰، سلسله‌جلساتی در منازل چند تن از معتمدین شهر و با حضور صدها نفر به‌منظور تأسیس، عضوگیری

و انتخاب هیئت‌مدیره حزب برگزار شد. پس از شور و مشورت و مذاکرات نسبتاً طولانی، هیئت‌رئیس به شرح زیر انتخاب شد:

آیت‌الله حاج سید عبدالعلی آیت‌اللهی،^(۲) رئیس، محمدکاظم معتمد، معاون با داشتن حق امضاء، قاسم سوخکیان، علی‌اکبر اقبال، احمد امینی، حسابدار و سند و قدارمحمود معتمد، ابراهیم احمد، منشی، عبدالرحمن موسوی، توسلی و علی‌نقی دانش‌زاده، بازرس، محمدعلی انصاری، بابا حق‌پرست، عبدالحسین رضاپور، حبیب طالعی و شیخ عبدالرسول، عضو علی‌البدل حزب.

همچنین، کمیته‌ای برای تدوین برنامه و اساسنامه سازمان تعیین گردید (ساکما، ۱۳۸۳/۲۹۳: ۳۶).

عمارت عطائی در سه‌راه خیابان همت با اجاره ماهیانه ششصد ریال به‌عنوان دفتر مرکزی حزب انتخاب شد و با نصب تابلو پارچه‌ای (سازمان اصلاحات لارستان - شعبه لار) بر بالای عمارت، فعالیت حزب رسماً آغاز گردید (ساکما، ۲۹۰/۶۹۴۸، ۱۳). طبق گزارش شهرداری لارستان، تا ۲۷ مهرماه حدود صد نفر در این سازمان ثبت‌نام کردند. همچنین مقرر گردید در بخش‌های مختلف شهرستان لارستان، شعبه‌های فرعی این سازمان تأسیس گردد.

الف. اساسنامه سازمان اصلاحات لارستان

یکی از نخستین اقدامات مؤسسان سازمان اصلاحات لارستان، تدوین مرامنامه و اساسنامه حزب بود. مهم‌ترین مواد و تبصره‌های اساسنامه چهل‌وهشت ماده‌ای و چهارده تبصره‌ای سازمان شامل چگونگی عضویت افراد و ساختار تشکیلاتی و چارت سازمانی آن عبارت بودند از:

کلیات:

نام رسمی حزب، "سازمان اصلاحات لارستان" است.
التزام حزب جهت فعالیت در چارچوب قانون اساسی مشروطه.

تشکیلات و ارکان:

ارکان سازمان اصلاحات لارستان عبارت بودند از:

۱. هیئت‌مدیره مرکزی

۲. رئیس

۳. بازرس

۴. مسئولین شعب فرعی

هیئت‌مدیره مرکزی متشکل از هفت نفر عضو اصلی، دارای رئیس، نایب‌رئیس، دو نفر منشی و یک نفر حسابدار و چهار نفر عضو علی‌البدل بود که توسط شورای عمومی برای مدت دو سال انتخاب می‌شد. در صورت فوت یا استعفای هر یک از اعضای اصلی شورای مرکزی و شعب، در مدت یک هفته جانشین عضو فوتی یا مستعفی توسط هیئت‌مدیره انتخاب می‌گردید.

شعبه:

شعبه مسئولیت اداره حزب را در بخش‌های مختلف لارستان برعهده داشت و زیر نظر هیئت اجرایی فعالیت می‌کرد. نحوه تشکیل و فعالیت شعب حزب بر اساس آیین‌نامه‌ای بود که به تصویب شورای مرکزی می‌رسید. شعب سازمان اصلاحات لارستان از سه نفر کمتر و بیست‌ویک نفر بیشتر نمی‌توانست باشد.

شرایط عضویت:

اشخاصی که دارای شرایط زیر می‌توانستند به عضویت سازمان اصلاحات لارستان درآیند:

سن حداقل شانزده سال تمام

پذیرش مفاد مرامنامه و اساسنامه حزب

پرداخت حق ورودی و عضویت ماهیانه حزب

تأیید صلاحیت شخص متقاضی توسط سه نفر از اعضای هیئت‌رئیس (ساکما، ۲۹۳/۱۸۸۳۰: ۴۱-۴۴).

ب. مرامنامه سازمان اصلاحات لارستان

بررسی محتوای مرامنامه سازمان اصلاحات لارستان امکان تحلیل موقعیت سیاسی و فکری مؤسسان این سازمان را فراهم می‌آورد. مرامنامه هفت‌ماده‌ای سازمان درخصوص تشریح اصول و عقاید سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حزب بود. در این مرامنامه هدف سازمان از لحاظ سیاسی: حفظ کلیه حقوق فردی و اجتماعی افراد و مراقبت از حسن اجرای قوانین و آشناساختن مردم با قانون اساسی؛ از لحاظ اجتماعی: سعی و کوشش در رفع اختلافات محلی و ایجاد وحدت و یگانگی و هماهنگی بین مردم لارستان، مراقبت در حفظ بهداشت عمومی به‌منظور جلوگیری از امراض و تهیه و توسعه وسایل

معالجه و درمان در تمام نقاط لارستان؛ و از لحاظ اقتصادی: اصلاحات در امور بازرگانی، بهداشتی و کشاورزی منطقه لارستان بود (ساکما، ۲۹۳/۱۸۸۳۰: ۴۱-۴۴).

۴. اهداف سازمان اصلاحات لارستان

سازمان اصلاحات لارستان اهداف متعددی در راستای بهبود وضعیت اجتماعی و سیاسی منطقه لارستان و تقویت حمایت از اصلاحات ملی دولت مصدق و مبارزه با استعمار انگلستان داشت. این سازمان تلاش می‌کرد تا اهداف اصلاحی و اجتماعی را در سطح محلی به اجرا درآورد و در راستای اصلاحات گسترده‌ای که دولت مصدق در سراسر کشور دنبال می‌کرد، قدم بردارد. در اینجا به مهم‌ترین اهداف سازمان اصلاحات لارستان اشاره می‌کنیم:

۴.۱. مبارزه با استعمار انگلستان

مبارزه با استعمار انگلیس در تاریخ معاصر ایران یکی از مهم‌ترین محورهای جنبش‌های ملی و ضداستعماری کشور بود. انگلستان در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به‌عنوان یکی از قدرتهای استعماری بزرگ در ایران، به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی نفوذ زیادی داشت. این نفوذ که عمدتاً در قالب قراردادهای ناعادلانه، دخالت‌های سیاسی و اقتصادی و حضور نظامی در ایران نمایان می‌شد، همواره به یکی از موانع اصلی استقلال و توسعه کشور تبدیل شده بود. از این رو، مردم و دولت‌های ایران در دوره‌های مختلف تلاش‌هایی برای مقابله با استعمار انگلستان انجام دادند. مبارزات مردم منطقه لارستان علیه استعمار انگلستان به دوره‌ی زندیه برمی‌گردد. محمدنصیرخان لاری حاکم مقتدر لار و بنادر با مبارزات خود، کمپانی انگلستان را مجبور به نقل مکان از بندرعباس به بوشهر نمود (وثوقی، ۱۳۹۶: ۳۴۵). در دوران جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) ایران تحت تأثیر فشارهای شدید کشورهای استعماری قرار داشت. در این میان، سید عبدالحسین لاری، یکی از علمای بزرگ و تأثیرگذار شیعی در منطقه لارستان (جنوب ایران)، با صدور فتوایی تاریخی علیه استعمار انگلیس و اقدامات این کشور در ایران، نقش مهمی در مقاومت ملت ایران در برابر سلطه بریتانیا ایفا کرد. سید عبدالحسین لاری در واکنش به فشارهای انگلستان و تلاش‌های این کشور برای تسلط بیشتر بر ایران، فتوای جهاد علیه استعمار انگلیس صادر کرد. مضمون اصلی این فتوا بر ممنوعیت

همکاری با نیروهای انگلیسی و جهاد علیه استعمارگران تأکید داشت. در این فتوا، لاری بر این نکته تأکید کرد که مردم مسلمان ایران باید در برابر استعمار انگلیس ایستادگی کنند و از هرگونه همکاری با نیروهای بیگانه بپرهیزند. یکی از مفاد مهم فتوا این بود که همکاری با استعمارگران نه تنها مخالف شریعت اسلام است، بلکه به نفع ملت ایران و مسلمانان نیز نخواهد بود. سید عبدالحسین لاری در این فتوا، مردم را به مقاومت ملی و دفاع از استقلال کشور دعوت کرد و آن را یک وظیفه دینی دانست. در حقیقت، این فتوا تلاشی بود برای آگاه‌سازی مردم منطقه لارستان و دیگر مناطق جنوبی ایران نسبت به خطرات و آسیب‌های سلطه انگلیس. فتوای سید عبدالحسین لاری در دوران جنگ جهانی اول یکی از نمونه‌های بارز مقاومت مذهبی و اجتماعی ایران در برابر استعمار انگلستان بود (آیت‌اللهی، ۱۳۶۳: ۸۴-۸۵). این فتوا تأثیر زیادی در آگاهی بخشی به مردم داشت و موجب تقویت روحیه مقاومت و استقلال‌خواهی در میان ایرانیان شد. از آن زمان به بعد، مبارزات ضد استعماری در ایران وارد مرحله جدیدی شد و نقش روحانیون لارستان در مقابله با بیگانگان و سلطه‌گری‌های خارجی، به‌ویژه در دوران نهضت ملی‌شدن نفت ادامه پیدا کرد. حضرات آیات سیدعلی اصغر موسوی لاری و سیدعبدالعلی آیت‌اللهی رهبری مردم لارستان در مبارزات ضد استعماری منطقه‌ی لارستان در دوران نهضت ملی‌شدن نفت را عهده‌دار بودند.

۴,۲. حمایت از ملی‌شدن صنعت نفت

یکی از اهداف اصلی سازمان اصلاحات لارستان، حمایت از سیاست‌های ملی‌شدن صنعت نفت بود. این سازمان در مناطق جنوبی ایران، تلاش می‌کرد مردم را از اهمیت این اصلاحات آگاه سازد و از آنها در برابر فشارهای داخلی و خارجی برای جلوگیری از ملی‌شدن نفت حمایت کند. با این هدف، سازمان اصلاحات لارستان به تقویت پایگاه مردمی دولت مصدق و گسترش حمایت‌های مردمی از اصلاحات دولتی می‌پرداخت.

دیدگاه سازمان اصلاحات لارستان درباره پیروزی دکتر مصدق در دادگاه بین‌المللی لاهه را می‌توان در چند بیت شعر زیر که توسط آیت‌الله سید عبدالعلی آیت‌اللهی، رهبر این سازمان سروده شده و نسخه اصلی آن در آرشیو اسناد کتابخانه حسینیه اعظم شهر لار نگهداری می‌گردد، مشاهده کرد. آیت‌الله آیت‌اللهی در این ابیات ضمن بررسی تحولات تاریخی ایران از عصر مشروطه تا

سال ۱۳۳۰، ضمن خوشحالی از پیروزی دکتر مصدق در دادگاه بین‌المللی لاهه، به تمجید از وی پرداخته و جایگاه سیاسی مصدق را در تاریخ ایران هم‌ردیف دو تن از وزرای بزرگ (نظام‌الملک و بوذرجمهر) دانسته است.

سال‌ها بگذشت و از مشروطه جز نامی نبود

وضع نکبت‌بار ملت شاهد دعوی ماست

دوره‌ها یک رأی ملی را بهارستان ندید

این بهارستان که جای جلوه آرای ماست

جشن مشروطیت است امسال یا نوروز جسم

کارغوانی رنگ از خون صحنه غبرای ماست

با فرشته عدل گو بگشای بال و پر خویش

در بهارستان که اینک مجلس شورای ماست

خاک ایران مهد علم است و بهشت معرفت

این بهشت جاودانی منزل و مأوی ماست

حضرت دکتر مصدق مرد میدان عمل

قهرمان شرق و صدراعظم والای ماست

گوهر پاک خرد با یک‌جهان تدبیر و رأی

فاتح و پیروز لاهه مملکت آرای

ماست

ترجمانی از نظام‌الملک و از بوذرجمهر
پژشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نسخه‌ای از خواجه و از بوعلی سینای ماست

نقشه‌های اهرمن با رأی وی نقشی بر آب

نقشه‌ها بی‌رنگ و رنگین جلوه دریای ماست

این نژاد پست اهریمن که دائم سودجوست

سود او در خواب نازِ نرگس شهلائی ماست

شام غفلت در گذشت و صبح بیداری رسید

باز زین پس بهر دیدن دیده بینای ماست

(آیت‌اللهی، ۱۳۸۰). (۳)

۴,۳. حمایت از دولت دکتر مصدق

حادثه ۳۰ تیر یکی از رویدادهای مهم تاریخ معاصر ایران بود که در آن سازمان اصلاحات لارستان همراه دیگر نیروهای همسو با دکتر مصدق، اعم از ملی‌گرایان، اسلام‌گرایان و حتی حزب توده، علیه نخست‌وزیر جدید موضع گرفتند. نظر به اهمیت موضوع، ابتدا چگونگی وقوع حادثه تیرماه ۱۳۳۱ و سپس واکنش رهبر سازمان اصلاحات لارستان به نخست‌وزیری احمد قوام‌السلطنه را شرح می‌دهیم.

روز ۲۵ تیر ۱۳۳۱، دکتر مصدق به حضور شاه رفت و درخواست پست وزارت جنگ را نمود. این درخواست از سوی مصدق به منزله چالشی برای قدرت شاه بود. محمدرضا شاه این درخواست را بر نمی‌تابید، زیرا طبق قانون اساسی مصدق به‌عنوان نخست‌وزیر مسئولیت مشترک با وزرا داشت و وزیر جنگ باید از سوی رئیس دولت انتخاب می‌شد، اما شاه این اختیار را به خود اختصاص داده بود و نمی‌خواست از آن صرف‌نظر کند، زیرا آن را از لوازم فرماندهی کل قوا می‌دانست. مصدق که خود را وزیر جنگ نیز اعلام کرده بود و شاه حاضر به تسلیم نبود، بدون مشورت با سران نهضت یا همکارانش، در نهایت استعفا داد (عادلی، ۱۳۹۴: ۷۴۷).

با استعفای مصدق و پذیرش آن از سوی شاه، مجلس شورای ملی در تاریخ ۲۶ تیرماه، بنا به اصرار شاه، بدون حضور نمایندگان دکتر مصدق، به زمامداری احمد قوام رأی داد و روز بعد شاه فرمان نخست‌وزیری او را صادر کرد (گذشته چراغ راه آینده است، ۱۳۹۳: ۵۷۱). شاه که ارتش را در اختیار داشت، به فرمانداری نظامی دستور داد تا اوضاع را کنترل کرده و از بروز آشوب جلوگیری کند. تانک‌ها در خیابان‌ها مستقر شدند. قوام در تاریخ ۲۸ تیر درخواست اختیارات فوق‌العاده برای اعاده امنیت در سراسر کشور نمود. در خطابه‌ای که به‌وسیله مورخ‌الدوله سپهر تهیه شده بود، قوام آشوبگران را تهدید به دستگیری و اعدام کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۲۱).

مهم‌ترین بخش این خطابه عبارت زیر بود: «... من به همان اندازه که از عوام‌فریبی در امور سیاسی بیزارم، در مسائل مذهبی نیز از ریا و چاپلوسی منزجرم... من در عین احترام به تعالیم مقدس اسلام، دیانت را از سیاست دور نگه خواهم داشت و از نشر خرافات و عقاید قهقرایی جلوگیری خواهم نمود» (سالمی، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

آیت‌الله کاشانی در پاسخی دندان‌شکن به او گفته بود: «احمد قوام باید بداند که در سرزمینی که مردم رنج‌دیده آن پس از سال‌ها رنج و تعب شانه از زیر دیکتاتوری بیرون کشیده‌اند، نباید رسماً اختناق افکار و عقاید را اعلام کرده و مردم را به اعدام دسته‌جمعی تهدید کند. من صریحاً می‌گویم که بر عموم برادران مسلمان لازم است که در راه این جهاد اکبر کمر همت محکم بربسته و برای آخرین مرتبه به صاحبان سیاست استعمار ثابت کنند که تلاش‌های آنها در به‌دست‌آوردن قدرت و سیطره گذشته محال است و ملت مسلمان ایران به هیچ‌یک از بیگانگان اجازه نخواهد داد که به دست مزدوران آزمایش‌شده، استقلال آنها پایمال و نام باعظمت و پرافتخاری را که ملت ایران در اثر مبارزات مقدس خود به دست آورده است، مبدل به ذلت و سرشکستگی شود...» (روزنامه کیهان، ۲۷۵۹، ۲۸/۴/۱۳۳۱: ۳).

آیت‌الله حاج سیدعبدالعلی آیت‌اللهی نیز در واکنش به این موضع‌گیری در نامه‌ای به آیت‌الله کاشانی، اندیشه قوام را به چالش کشید. در قسمتی از نامه ایشان آمده است: «... با اینکه مطلب این‌گونه روشن است، چگونه و با چه جرئت نوریسیده جنایتکار منفور نخست‌وزیر احمد قوام، که سابقه جنایت او بر ملت پوشیده نیست، با کله مخمور و مغزی خمار که در سرایشی دوزخ در شرف سقوط است، و با زور سرنیزه حکومت‌نظامی، می‌خواهند او را بر مردم تحمیل نمایند. در طی اعلامیه خود صریحاً اظهار می‌دارد و دستگاه تبلیغات پخش می‌کنند که "من با اینکه به مبانی اسلام معتقدم، باید سیاست از روحانیت جدا باشد." مگر این پیر خرافاتی نمی‌داند که این ملت همان ملتی است که تحت سرپرستی قائدین عظیم‌الشان مانند حضرت آیت‌الله، عفریتی پلید مانند هژیر و رزم‌آرا را به خاک و خون کشید؟ مگر این عضو پلیدی که سال‌ها قبله حقیقی و کعبه مرادش بریتانیا بود، نمی‌داند که خدایان بریتانیایی و صنم‌های لندنی نیروی خدایی خویش را از دست داده و فرمانروایی آنان خاتمه یافته است؟ از او و امثال او پشتیبانی نمی‌توانند کرد. دیگر سپری شد آن روز که احمد قوام و هم‌کیشان او حکومت کنند بر ملتی که به رهبری و مجاهدت و استقامت رهبران روحانی و حقیقی خود، به پنجه‌های قوی و نیرومند دولت بریتانیا که سال‌ها مانند درنده خون‌آشامی پنجه‌های خود را در اعماق آب‌و‌خاک و شئون اجتماعی و دینی این مردم فرو برده و ریشه دوانیده بود، از بیخ و بن برکنده و با این عمل شجاعانه خود برای همیشه در برابر دنیا و

تاریخ اسلام و مسلمانی را سربلند و سرافراز نمود و بهترین درس مردانگی، شجاعت و دلیری را برای نسل آینده خود به یادگار گذاشت... باید این پیر سرمست بداند که مقام ارجمند روحانیت، که عیناً رتبه‌عالی و مرتبه‌شامخ سیاست الهی است، برتر و بالاتر از این است که دستخوش هوا و هوس عفرتی منفور و دیوی زشت‌سرشت مانند احمد قوام گردد... این مجسمه فساد بداند که با گفتن جمله "من به مبانی اسلام معتقدم"، ملت متدین فریب نمی‌خورد و با گفتن جمله باید سیاست از روحانیت جدا باشد، کوچک‌ترین خللی بر بنیان محکم و رفیع روحانیت وارد نخواهد آمد و از نفوذ معنوی و الهی آن چیزی نمی‌کاهد. با گفتن "وای به حال کسی که در انجام اصلاحات خللی وارد سازد، ملت بیدار و رشید ایران فریب نمی‌خورد و از میدان مبارزه بیرون نمی‌رود» (آیت‌اللهی، ۱۳۳۱).

ایشان همچنین در چند بیت مخالفت آشکار و علنی خود را با حکومت قوام‌السلطنه ابراز داشت:

خون آزادی طلب جز نقش آزادی نیست
تا ابد هر قطره‌ای زان نقشه‌ی زیبای ماست
گر رود بر نیزه سر یا تن بیفتد بر زمین
آن مقامی شامخ و این فرش خوش‌دیبای ماست
در ره آزادی اگر رگبار و تانک آید چه باک
شربت از جام شهادت حاصل سودای ماست
در رهایی‌یابی از چنگال استعمار پست
پیش تانک و تیر رفتن شیوه پشوای ماست
با چنین وضعی خطرناک و حریفی حيله‌باز
چشم پیروزی به لطف اینزد دانای ماست
خون امروز شما ای پاک‌مردان وطن
مژده‌های قطعی پیروزی فردای ماست
جنبش امواج نهضت روز سی تیرماه
شاهکار قدرت ملی بی‌همتای ماست
با هزاران حيله و نیرنگ استعمار شوم
دست یغمایش همی بر پرده بر بالای ماست

خود نه تنها ثروت سرشار ما را برده است
قید و زنجیر اسارت سال‌ها بر پای ماست
با همه دست تهی از همت مردان راد
شاهد فتح و ظفر ای موسوی جویای ماست
(آیت‌اللهی، ۱۳۸۰).

۴.۴. اصلاحات اقتصادی و اجتماعی در منطقه لارستان

یکی از اهداف مهم سازمان اصلاحات لارستان، اجرای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی در این منطقه بود. در این راستا، سازمان تلاش می‌کرد تا شرایط زندگی مردم را بهبود بخشد. مهم‌ترین این اصلاحات عبارت بودند از:

الف. بهبود وضعیت بهداشت و آموزش

«بهبود وضعیت بهداشت و آموزش» یکی از اهداف کلیدی بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است که تأثیر مستقیم بر کیفیت زندگی مردم دارد. در منطقه لارستان، سازمان اصلاحات لارستان نیز با هدف ارتقای این دو حوزه مهم وارد عمل شد. بهبود وضعیت بهداشت شامل توسعه امکانات درمانی، آموزش به مردم درباره بهداشت عمومی و پیشگیری از بیماری‌ها بود تا سلامت عمومی جامعه تضمین شود. در زمینه آموزش نیز، این سازمان کوشید با فراهم‌آوردن شرایط مناسب برای تحصیل، آگاهی و مهارت‌های لازم را در بین افراد جامعه گسترش دهد. این اقدامات می‌توانست به تقویت توانمندی‌های فردی و اجتماعی، و در نهایت توسعه پایدار منطقه کمک کند.

ب. تقویت زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی

«بهبود وضعیت بهداشت» یکی از اهداف کلیدی بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است که تأثیر مستقیم بر کیفیت زندگی مردم دارد. در منطقه لارستان نیز سازمان اصلاحات لارستان با هدف ارتقای این حوزه مهم وارد عمل شد. بهبود وضعیت بهداشت شامل توسعه امکانات درمانی، آموزش به مردم درباره بهداشت عمومی و پیشگیری از بیماری‌ها بود تا سلامت عمومی جامعه تضمین شود.

ج. تقویت روحیه ملی‌گرایی و همبستگی ملی

سازمان اصلاحات لارستان درصدد ایجاد همبستگی ملی و تقویت روحیه ملی‌گرایی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی بود. این سازمان در تلاش بود تا مردم لارستان را به‌عنوان بخشی از جنبش ملی، با تحولات کشور همراه کند و آنها را به مشارکت در اصلاحات اجتماعی و سیاسی دولت مصدق ترغیب نماید.

د. تقویت مشارکت مردم در فرایند تصمیم‌گیری‌های محلی

سازمان اصلاحات لارستان به دنبال آن بود تا مردم را در فرایند تصمیم‌گیری‌های محلی و اصلاحات اجتماعی دخیل کند. این سازمان با تقویت مشارکت عمومی و فراهم‌آوردن زمینه‌های لازم برای آموزش سیاسی، سعی در افزایش آگاهی سیاسی مردم و تقویت روحیه مشارکت در امور عمومی داشت.

ه. تقویت نقش روحانیون در تحولات اجتماعی و سیاسی

روحانیون در منطقه لارستان از دوره نهضت مشروطیت نقش مهمی در پیشبرد اهداف اصلاحات داشتند و سازمان اصلاحات از حمایت روحانیون برای پیگیری این اهداف بهره می‌برد. روحانیون در این سازمان به‌ویژه در راستای اصلاحات اجتماعی و سیاسی، تقویت وحدت ملی و مبارزه با سلطه بیگانگان، نقشی محوری ایفا می‌کردند.

و. تلاش برای رفع اختلافات محلی و ایجاد وحدت میان مردم

یکی از اهداف سازمان اصلاحات لارستان، سعی در رفع اختلافات محلی بود. در جریان انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی اختلاف شدیدی بین هواداران نامزدهای این دوره از انتخابات در حوزه انتخابیه لارستان پیدا شد. در شرایطی که اختلافات و تنش‌های محلی می‌توانست موجب تفرقه و ضعف در جامعه شود، مؤسسان این سازمان تلاش کردند تا با ایجاد همبستگی میان مردم مختلف منطقه، اختلافات را کاهش دهند. این هدف، بخشی از رویکرد جامع سازمان در راستای ارتقای وحدت اجتماعی و سیاسی در لارستان بود. از این رو، سازمان اصلاحات لارستان نه تنها به‌دنبال اصلاحات اقتصادی و اجتماعی بود، بلکه به‌طور خاص بر ایجاد هماهنگی و تعاون میان

گروه‌های مختلف تأکید داشت. به باور مؤسسان این سازمان، از بین بردن اختلافات محلی می‌توانست زمینه‌ساز رشد و توسعه منطقه شود و به تقویت جنبش‌های اجتماعی و سیاسی کمک کند.

۵. انحلال سازمان اصلاحات لارستان

انحلال سازمان اصلاحات لارستان نتیجه مجموعه عوامل سیاسی بود که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به وقوع پیوست و در ادامه این تحقیق، به بررسی این علل خواهیم پرداخت.

۵.۱. آیت‌الله موسوی لاری و تلاش برای ایجاد همبستگی در نهضت ملی

به نظر می‌رسد یکی از عوامل انحلال سازمان اصلاحات لارستان، تلاش آیت‌الله سیدعلی اصغر موسوی لاری، یکی از مؤسسان این سازمان، برای ایجاد همبستگی در نهضت ملی بوده است.

آیت‌الله موسوی لاری، از معدود عالمان و بزرگان این مقطع تاریخی بود که با تسلط بر تاریخ نهضت روحانیت در دوران مشروطیت و با هوشمندی و ذکاوت خدادادی، از همان آغاز تجربه تلخ تکرار مشروطیت را به‌وضوح مشاهده می‌کرد. بی‌شک، اگر رهنمودهای وی که از طریق مکاتبه با برخی از سران دو طرف برای رفع اختلافات و ایجاد وحدت مطرح شد، مورد توجه دلسوزان نهضت ملی شدن نفت قرار می‌گرفت، شاید امروز تاریخ کودتای ۲۸ مرداد در تقویم سیاسی کشور نداشتیم.

تلاش آیت‌الله موسوی لاری برای ایجاد همبستگی و همدلی میان هواداران آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق، هجرت ایشان از لارستان به تهران به‌منظور حل مشکلات زندانیان حادثه انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی در لارستان و ملاقات‌های ایشان با دو رهبر مذهبی و ملی، گواهی بر افکار روشن و دوراندیشی این عالم بزرگ است. دغدغه‌ها و رهنمودهای ایشان در این مقطع حساس تاریخی، به‌منظور جلوگیری از تکرار تاریخ مشروطیت، را می‌توان در دو محور اصلی تحلیل کرد:

الف. ایجاد همبستگی و پرهیز از تفرقه

دغدغه نخست ایشان، ایجاد همبستگی و همدلی میان روحانیت، طلاب و فضلاء همراه آیت‌الله کاشانی در نقاط مختلف کشور و پرهیز از هرگونه تفرقه و شکاف در جبهه خودی بود. پیشنهاد ایشان به مجمع علما و روحانیت تهران برای تشکیل جلسات هفتگی و حذف واسطه‌ها در نقل و انتقال پیام‌ها و تحلیل‌ها، که بعدها به شکل‌گیری «جامعه روحانیت مبارز» منجر شد، در راستای جلوگیری

از تشتت در نهضت روحانیت بود. اگر این تلاش‌ها به بار می‌نشست، نهضت روحانیت در آن مقطع دچار تفرقه و فروپاشی نمی‌شد.

ب. احترام به مرجعیت و حمایت از فدائیان اسلام

آیت‌الله موسوی لاری در عین احترام ویژه‌ای که به نهاد مرجعیت و شخصیت آیت‌الله‌العظمی بروجردی قائل بود، فدائیان اسلام را به‌عنوان حرکتی زنده و پویا می‌نگریست. او بر این باور بود که این حرکت، که از روح شجاعت و شهامت شیعی برخاسته است، می‌تواند غبار خمودگی و انزواطلبی را از روحانیون و مردم بزدايد و بستری برای ایجاد حکومت اسلامی فراهم آورد. به همین دلیل، ایشان از هیچ‌گونه کمک مالی و فکری به رهبران فدائیان اسلام دریغ نکرد.

از دیدگاه آیت‌الله موسوی لاری، فدائیان اسلام و آرمان‌های آنان که در منشوری تحت عنوان «حکومت اسلامی» به چاپ رسیده بود، تیغ عدالت‌خواهی و اسلام‌خواهی بودند که می‌توانستند طاغوت را شکست دهند. متأسفانه، با دسیسه‌های دشمنان داخلی و خارجی و ایجاد محدودیت‌ها، این گروه در روزهایی که نهضت ملی به آنها نیاز داشت، دستگیر شده و سپس توسط حکومت به شهادت رسیدند (طالعی و طالبی، ۱۳۹۰: ۷۵).

رابطه فکری و عاطفی میان آیت‌الله موسوی لاری و رهبران فدائیان اسلام چنان عمیق بود که سیدمجتبی موسوی لاری، هنگام ملاقات با سیدمجتبی نواب صفوی، رهبر فدائیان اسلام، از او نقل می‌کند: «هرگاه آقای ابوی محترمتان بخواهند به تهران بیایند، به من اطلاع دهید تا فدائیان اسلام را برای استقبال از ایشان بسیج کنم» (ابراهیم‌زاده، ۱۳۷۷: ۷۷).

۵،۲. کودتای ۲۸ مرداد و تأثیر آن بر انحلال سازمان اصلاحات لارستان

با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دکتر محمد مصدق، نخست‌وزیر منتخب، از قدرت برکنار شد و محمدرضا پهلوی به سلطنت بازگشت. این کودتا نتیجه تنش‌های طولانی‌مدت میان دولت مصدق و دربار، به‌ویژه در پی ملی‌شدن صنعت نفت و مخالفت‌های شاه با سیاست‌های مصدق بود. در این میان، کشورهای خارجی به‌ویژه بریتانیا که از ملی‌شدن نفت آسیب دیده بودند، به شدت از سقوط مصدق

حمایت می‌کردند. سازمان سیا و دولت آمریکا نیز در کنار سلطنت شاه از این کودتا پشتیبانی کردند و در پشت‌پرده آن نقش اساسی ایفا کردند.

از فعالیت‌های سازمان اصلاحات لارستان بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴ خورشیدی که سال درگذشت آیت‌الله سیدعلی‌اصغر موسوی لاری، یکی از مؤسسين سازمان است، اطلاع دقیقی در دست نیست. شواهد نشان می‌دهد که پس از کودتا و استقرار قدرت دولت در فارس، شرایط سیاسی به گونه‌ای بود که فرصتی برای فعالیت‌های سیاسی باقی نمی‌گذاشت. در نتیجه، سازمان اصلاحات لارستان منحل شد و رهبران و اعضای آن تا سال ۱۳۴۲ و قیام پانزده خرداد، از عرصه فعالیت‌های سیاسی فاصله گرفته و به فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی خود ادامه دادند (احمدلو، ۱۴۰۲: ۱۲۷-۱۳۵).

نتیجه‌گیری

سازمان اصلاحات لارستان در واکنش به شرایط سیاسی و اجتماعی ایران در اواخر دهه ۱۳۲۰ و اوایل دهه ۱۳۳۰ شکل گرفت. افزایش نارضایتی عمومی از حکومت مرکزی، وضعیت اقتصادی نامناسب، و ظهور شخصیت‌هایی چون دکتر مصدق، زمینه شکل‌گیری سازمان‌های سیاسی و اجتماعی محلی را فراهم کرد. رهبران مذهبی و سیاسی ملی و محلی، مانند حضرات آیات کاشانی و موسوی لاری تأثیر زیادی در شکل‌گیری این سازمان داشتند. آنها به‌عنوان نمایندگان گروه‌های مذهبی و ملی، در تلاش بودند تا دولت‌های وابسته به استعمار را به چالش بکشند. سازمان اصلاحات لارستان با هدف مقابله با فساد، استبداد و نفوذ بیگانگان در امور داخلی کشور شکل گرفت. اعضای سازمان در پی آن بودند که با اصلاحات سیاسی و اجتماعی، استقلال ملی را حفظ کرده و به تحقق اهداف عدالت‌خواهانه و دموکراتیک کمک کنند. سازمان اصلاحات لارستان به مانند سایر نهادهای ضداستعماری علیه نفوذ بریتانیا و دیگر قدرت‌های خارجی در ایران فعالیت می‌کرد. این سازمان در قالب جنبش‌های ملی‌گرایانه و حمایت از دکتر مصدق، به‌ویژه در مبارزات ملی‌شدن صنعت نفت، نقش فعالی ایفا کرد. اعضای سازمان به‌شدت مخالف سلطه انگلیس بر صنعت نفت بودند. سازمان اصلاحات لارستان با فعالیت‌های خود در سطح منطقه‌ای و ملی، نقش مهمی در آگاهی‌بخشی به مردم درباره مسائل سیاسی و اجتماعی ایفا کرد. وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و شکست نهضت ملی ایران، باعث شد

که بسیاری از گروه‌های سیاسی و اجتماعی، از جمله سازمان اصلاحات لارستان، تحت فشار قرار گرفته و در نهایت به انحلال دچار شوند.

پی‌نوشت‌ها

۱. آیت‌الله سید علی‌اصغر موسوی لاری متفکر، سیاستمدار، فقیه و عالم مردم‌دوست، کوچک‌ترین فرزند ذکور آیت‌الله حاج سیدعبدالحسین نجفی لاری در سال 1317 ه.ق دیده به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی او مصادف با جنبش مشروطه‌خواهی و مبارزات پدرش علیه استبداد بود (گلی‌زواره، 1387: 59). اطلاع چندانی از زندگانی وی در این دوره در دست نیست، اما بی‌شک روحیه ضداستبدادی، شهامت و شجاعت پدرش در وی تأثیر بسزایی داشته است. در سال 1332 ه.ق آیت‌الله سیدعبدالحسین نجفی لاری در اثر تغییر شرایط سیاسی، امنیتی منطقه مجبور به هجرت از لار به فیروزآباد و سپس جهرم شد. خانواده او نیز پس از مدتی به جهرم رحل اقامت افکند. زندگانی آیت‌الله سیدعلی‌اصغر از این زمان تا سال 1342 ه.ق در جهرم و در محضر علمی پدر و برادرشان آیت‌الله سیدعبدالمحمد سپری شد (رحیمی‌نژاد، 1393: 8). پس از وفات آیت‌الله سیدعبدالحسین نجفی لاری، آیت‌الله سید علی‌اصغر لاری همراه برادرش آیت‌الله سیدعبدالمحمد به لارستان آمد و پس از مدتی از آنجا به شیراز عزیمت فرمود و در محضر آیت‌الله سیدعبدالباقی از شاگردان پدرش، آیت‌الله سیدعبدالحسین نجفی لاری، به ادامه تحصیل دینی پرداخت. او در سال 1346 ه.ق برای تکمیل تحصیلات به عتبات مهاجرت نمود و در حوزه نجف اشرف به مدت هفت سال از محضر مراجع عصر و استادان برجسته این دیار همچون آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی بهره برد. آیت‌الله سیدعلی‌اصغر موسوی لاری هم‌زمان با فراگیری علوم نقلی همچون فقه و اصول، فراگیری حکمت، فلسفه و منطق را با جدیت پی گرفت (گلی‌زواره، 1387: 59). همان‌طور که گفته شد آیت‌الله سیدعلی‌اصغر لاری پس از تبعید آیت‌الله سیدعبدالمحمد آیت‌اللهی و پس از اتمام تحصیلات دینی در نجف اشرف و کسب اجازه اجتهاد از علمای بزرگ آن دارالعلم در سال 1311 ه.ش و بنا به درخواست اهالی لارستان به این منطقه وارد شد و مرجعیت امور

شرعی، اجتماعی این خطّه را به عهده گرفت و تا پایان عمر در سال ۱۳۳۴ ش فداکارانه در جهت پیشرفت منطقه لارستان و نواحی اطراف آن همت والای خویش را مصروف داشت.

۲. آیت‌الله حاج سید عبدالعلی آیت‌اللهی در ۲۶ جمادی‌الاول ۱۳۳۹/۱۶ بهمن ۱۲۹۹ ش در جهرم متولد شدند. دوران کودکی وی با سال‌های آغازین جنگ جهانی اول و سال‌های پایانی عمر پدر بزرگشان آیت‌الله حاج سید عبدالحسین لاری مصادف بود. دوران طفولیت را قسمتی در جهرم و لار و پس از بازداشت والد معظم ایشان حضرت آیت‌الله سید عبدالمحمد در دوران رضاخان پهلوی و انتقال به شیراز در شیراز سپری شد (مراسان، ۱۴۲۹). آیت‌الله حاج سید عبدالعلی آیت‌اللهی پس از مهاجرت به شیراز با نام‌نویسی در مدارس آن زمان شروع به آموختن علم و دانش از اساتید و علمای معروف شیراز کرد. او به دلیل استعداد و نبوغ فراوانی که در عرصهٔ دروس طلبگی داشت در پانزده سالگی قدم به حوزه گذاشت و پله‌های ترقی را خیلی زود پیمود. وی فقه و اصول را از محضر اساتید بزرگی همچون آیت‌الله حاج سید نورالدین حسینی و آیت‌الله حاج شیخ ابوالحسن حدائق استفاده کرد و در سن ۲۲ سالگی به منزلت اجتهاد دست یافت (مراسان، ۱۴۳۰). ذوق و نبوغ آیت‌الله آیت‌اللهی در حدی بود که خود در فلسفه، عرفان و کلام صاحب‌نظر شد. هجرت به قم و حدود پنج سال سکونت در آنجا در سال ۱۳۶۶ ه.ق و استفاده از دروس خارج عالی فقه مراجعی همچون مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی و آیات عظام سید صدرالدین صدر و حاج سید محمدتقی خوانساری که همگان از فحول فقه و اصول بودند ایشان را سرآمد کرد (مراسان، ۱۴۳۰). آیت‌الله حاج سید عبدالعلی آیت‌اللهی اجازه اجتهاد را از مرحوم آیت‌الله سید نورالدین حسینی شیرازی (معروف به نایب‌الامام) گرفته بود. این اجازه اجتهاد در بایگانی شخصی آیت‌الله آیت‌اللهی و به خط زیبای آیت‌الله سید نورالدین حسینی موجود است. معظم‌له سپس با دریافت اجازهٔ اجتهاد مطلق از آیت‌الله صدرالدین صدر جهت ادامهٔ تدریس و تحصیل علم در سال ۱۳۷۲ ه.ق. راهی نجف اشرف گردید. آیت‌الله آیت‌اللهی قبل از عزیمت به نجف اشرف طی سفری به لار همگام با عمویش به مبارزه با طاغوت پهلوی پرداختند. حضور وی در لار و نبوغ، استعداد و صداقت ایشان همچنین سخنرانی‌های پرمحتوا و مهیج ایشان و موضع‌گیری معظم‌له علیه ظلم و مظاهر استبداد موجب شد تا مردم لارستان در مدت کوتاهی نسبت به آیت‌الله آیت‌اللهی اظهار علاقه و محبت کنند. حضور

بررسی چگونگی شکل‌گیری و انحلال سازمان اصلاحات لارستان (۱۳۳۰-۱۳۳۲)..... ۲۵

ایشان در منطقه لارستان به‌عنوان رهبر مذهبی و سیاسی مردم منطقه، دوره جدیدی را در تحولات سیاسی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی منطقه رقم زد.

۳. این قصیده در جواب ملک‌الشعرای بهار پس از حادثه سی تیر ۱۳۳۱ توسط آیت‌الله حاج سیدعبدالعلی آیت‌اللهی سروده شده است.

کتابنامه

الف) اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): شماره بازیابی ۲۹۳/۱۸۸۳۰، ۶۹۴۸/۲۹۰.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان): شماره بازیابی ۱۴۹۲، ۱۴۳۰۰.

آرشیو موزه آثار و نسخه‌های خطی حسینیه اعظم شهر لار، مکاتبه آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی با آیت‌الله کاشانی، سال ۱۳۳۱.

آرشیو موزه آثار و نسخه‌های خطی حسینیه اعظم شهر لار، قصیده آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی در باب فضایل دکتر محمد مصدق، سال ۱۳۳۱.

ب) کتاب

آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، چ یازدهم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴.

آیت‌اللهی، محمدتقی، ولایت فقیه زیربنای فکری مشروطه مشروعه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

احمدلو، رسول، انقلاب اسلامی در لارستان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۴۰۲.

اقتداری، احمد، کاروان عمر، تهران، اقتداری، ۱۳۷۲.

رحیمی‌نژاد، کاظم، تاریخ معاصر لارستان، شیراز، قلمکده، ۱۳۹۳.

طالعی، عبدالحسین و مرتضی طالبی، خلوص کامیاب: یادگارنامه آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۸۹.

۲۶ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال ۶، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

عاقلی، باقر، نخست‌وزیران ایران از مشیرالدوله...، سیدضیاء تا بختیار ۱۳۵۷-۱۲۸۵، تهران، جاویدان، چ ۳، ۱۳۹۴.

گذشته چراغ راه آینده است تاریخ ایران در فاصله دو کودتا ۱۲۹۹-۱۳۳۲ پژوهشی از جامی، تهران، ققنوس، چ ۱۱، ۱۳۹۳.

شمیم، علی‌اصغر، ایران در دوران سلطنت قاجار قرن سیزده و نیمه اول قرن چهاردهم، تهران، نشر بهزاد، چ ۲، ۱۳۸۹.

فاتح، مصطفی، پنجاه سال نفت ایران، تهران، شرکت سهامی چهر، ۱۳۳۳.

همایون کاتوزیان، محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، چ ۵، ۱۳۷۴.

سالمی، محمدحسن، تاریخ نهضت ملی شدن صنعت نفت از نگاهی دیگر، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.

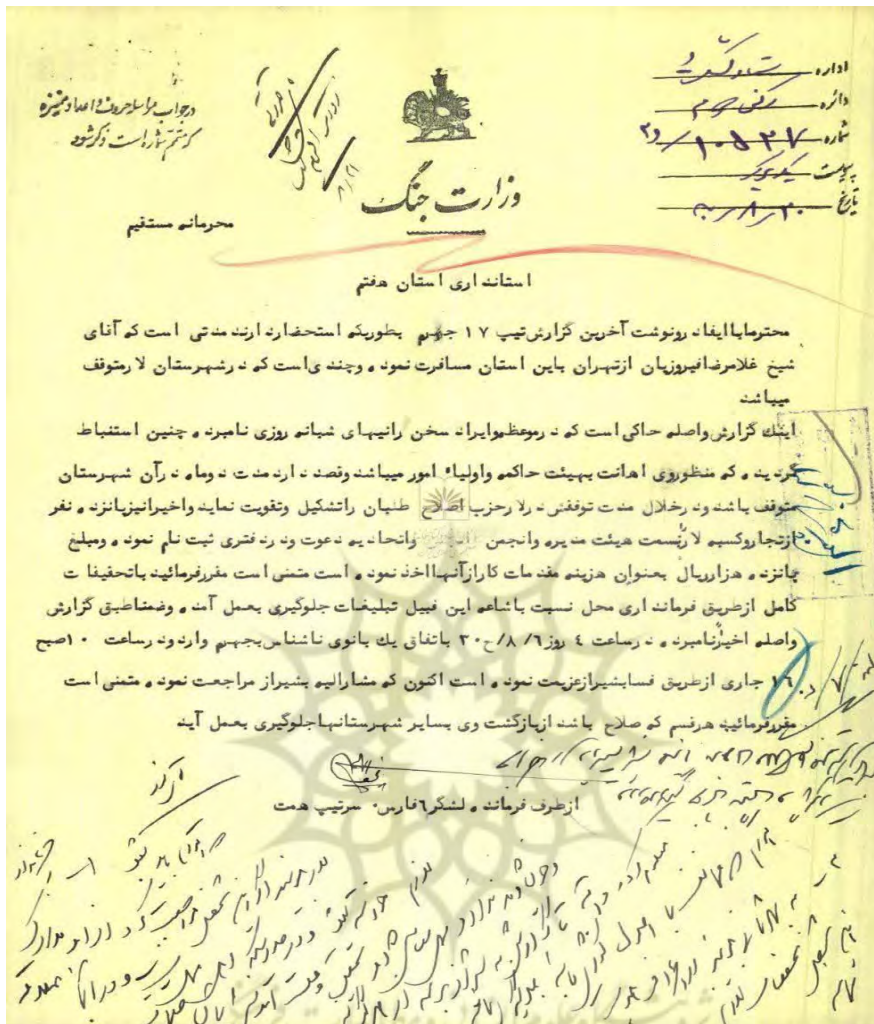
وثوقی، محمدباقر، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، تهران، سمت، ۱۳۹۶.

ج) نشریات

روزنامه کیهان، س ۱۰، ۱۳۳۱/۰۴/۲۸ شماره ی ۲۷۵۹.

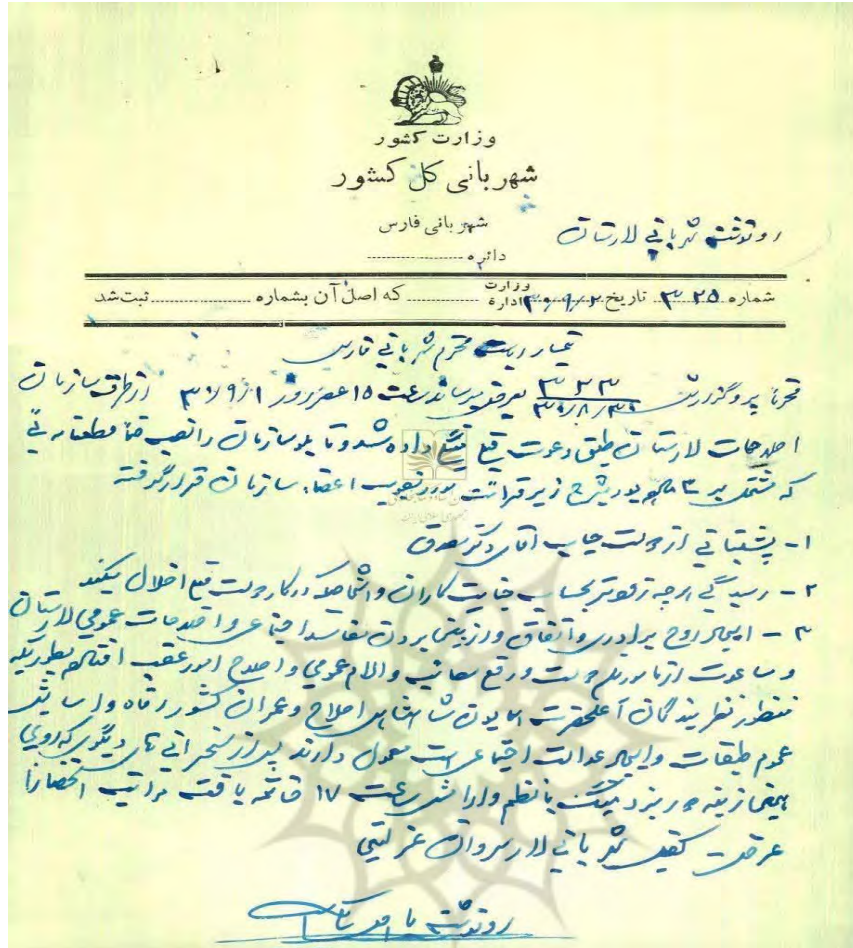
ابراهیم‌زاده، حسن، «گفت‌وگو با آیت‌الله سیدمجتبی موسوی لاری»، فصلنامه فرهنگ کوثر، بهمن ۱۳۷۷، ش ۲۳.

غلامرضا گلی‌زواره، «زندگانی آیت‌الله سیدعلی‌اصغر موسوی لاری»، فصلنامه مکتب اسلام، اردیبهشت ۱۳۸۷، ش ۵۶۴.



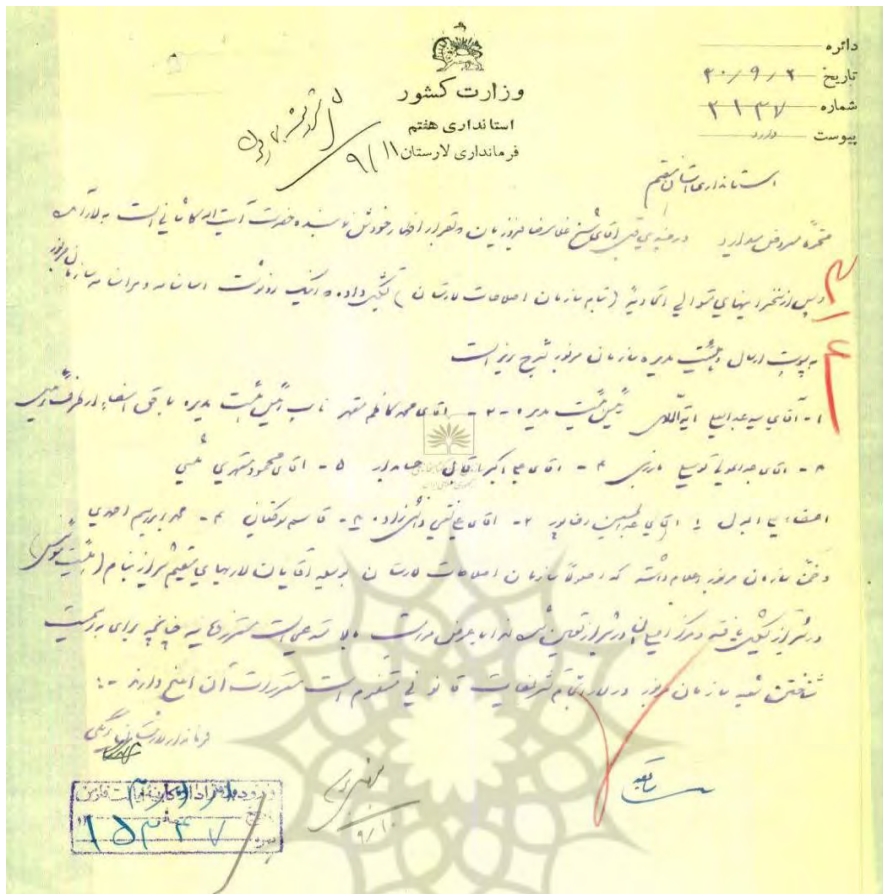
گزارش فرمانده لشکر ۶ فارس درباره اقدامات شیخ غلامرضا فیروزیان جهت تأسیس سازمان

اصلاحات لارستان



گزارش کفیل شهر بانی لارستان درباره تشکیل جلسه سازمان اصلاحات لارستان و قرائت
قطعنامه سه ماده‌ای این سازمان

پرتال جامع علوم انسانی



گزارش فرماندار لارستان درباره اساسنامه و مرامنامه سازمان اصلاحات لارستان

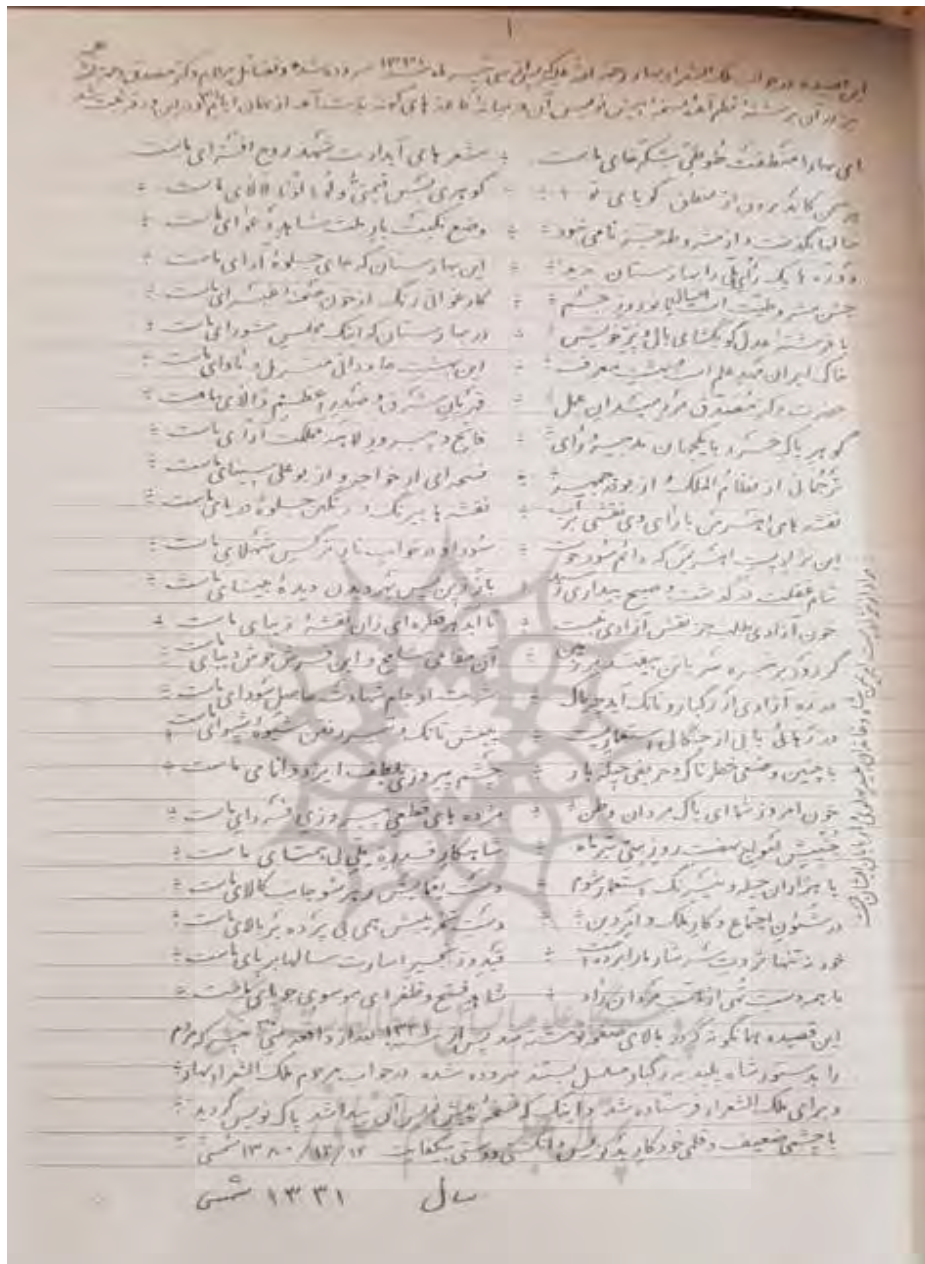
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اردیبهشت ماه / ۱۳۳۱ هجری قمری / بسمه تعالی

حضرت محمد مصدق علیه السلام (علیه السلام) در بیان کاشانی در دست رکن
بعضی از راههای پست در مملکت اسلامی مانند ایران که سبب آن است شایسته و توانای آن در تکمیل پرستی زعامت نیست
پس در هر وقت و در هر کشور و در هر مملکت و در هر مرتبه از افراد مسلمان و غیر مسلمان با اصول و با دست رکن
مستعد و با توانایی سخن و حکم و با دست شایسته و توانای دارند و چون میسر شد اسلام و هدایت و سیاست با هم آمیخته و
یکدیگر را سیاست در اسلام و هدایت در رکن سیاست است و اینست معنی برهان و پیروی که فی الجمله اطلاعی بود
از توانایی و مقررات اسلامی و کشف آنچه پیشین نیست تا چه رسد با اینکه مسلمان باشد و شبانه روز با همین مقررات و وظایف سروکار
داشته باشد و سعی کند و دانشندان سیاسی و غیر سیاسی تاریخی که درین اسلام ما مورد نظر و بررسی قرار داده اند با این صفت روبرو
اذا عن الحرفه و موده لغزله و یجهد تا بهیچ تمدن اسلام (تا قبل از اسلام و لو بون) روح القایین (فلسفه) است در این تمدن عرب
(چیزی در میان مردم با کتب کثیره از آن نیست باید با اینکه مطالب گنگ و دشوار است مچون در باب هر صورت نوریه و بیگانه بود
تحت نظر و اصرار توأم که سایر جزییات و برکت پوشیده نیست یا کله و مضمون و مترشح که در سایر اشیا و در شرح و در شرح سقراط
و با زور سر تیره حکومت نظامی برجا نهاد و در بر مردم تحمیل بند در طی اعلام نمود هر یک از این امور و در کتب قدیمی که
چنانکه (منه) با اینکه بنده اسلام مستقرم با اینست که در مدینه است بعد از آن (گرگ گزیده بر عراق که تیرا کله نیست ممانعت
که در کتب پرستی که خطرات آن با اینحضرت است که در مدینه است بلید مانند هزاره و رزم آر را سبب که در کتب کله حضرت
پسند که با اینمدان قبیل حقیقی که در کتب کله بر تیرا بود و غیر آنکه خرابان بر تیرا نیای و نسبه نشانی نبرد در میان خودی لایزال است و او
و قرآنی آنرا بنده یا نه از او دانشی بی غیرت است نمود دیگر سپهرش آرزو که احمد قوام و کلیدان او حکومت کند بر ملتی
که بر مابری و میا پست و توقایست بهر آن وقت حقیقی خود به چهار تو و در وقت در دولت و در کتب کله در با دراز با مند و نه و مدتی
و پنجاه خود را در اسحق آیت که نشون است میسر مردم فرموده و در دست و دست به بود از بنیخ و بن کله و با اینست که خود
بر اینست که بر ایند و با اینست که در اسلام و مسلمان با اینست که در اسلام و مسلمان با اینست که در اسلام و مسلمان
به نوزد است آنرا در اذهان است و در دست و دست به بود از بنیخ و بن کله و با اینست که خود
در اینست که در دست و دست به بود از بنیخ و بن کله و با اینست که خود
ما مشا احمد قوام کرد و لیکن از روزا هزار با اینست که در اسلام و مسلمان با اینست که در اسلام و مسلمان
در اینست که در دست و دست به بود از بنیخ و بن کله و با اینست که خود
و فراموشی خود را نیز بخوشه با اینست که در اسلام و مسلمان با اینست که در اسلام و مسلمان
که در اینست که در دست و دست به بود از بنیخ و بن کله و با اینست که خود
دست میسر از ایران فرساید خود و از ایران میزده پرده برود پس هر چه در نظر میسر است که مملکت عظیمی که ما را ابداع

نامه آیت الله سید عبدالعلی آیت اللهی به آیت الله کاشانی در مخالفت با قوام السلطنه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



قصیده آیت الله سید عبدالعلی آیت اللهی دریاب فضایل دکتر محمد مصدق، سال ۱۳۳۱